خبر

ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در حوزه محیط زیست

● **مهر:** معاون توسعه مدیریت حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت محیط زیست، گفت: سیاست‌های کلی نظام در حوزه محیط زیست در مجمع تشخیص مصلحت نظام در حال پیگیری است و به‌زودی ابلاغ می‌شود.

محمد مجابی در همایش سراسری سازمان‌های مردم‌نهاد که به‌منظور هم‌اندیشی درباره محیط زیست در برنامه ششم توسعه برگزار شد، افزود: سیاست‌های کلی نظام در حوزه محیط زیست نیازمند بررسی و روند خاصی است که این کار در مجمع تشخیص مصلحت نظام در حال اجراست.

وی با اشاره به صحبت‌های مقام معظم رهبری در ۱۷ اسفند ۹۳ درباره محیط زیست گفت: ایشان فرسایش خاک، آلودگی هوا، غارت و چپاول جنگل‌ها، کوه‌خواری و زمین‌خواری را از جمله مهم‌ترین تهدیدها در حوزه محیط زیست عنوان کردند. مجابی افزود: مقام معظم رهبری در ادامه توصیه کردند برای مقابله با این شرایط باید سند ملی محیط زیست تهیه، همکاری تمام دستگاه‌ها در حفظ محیط زیست، داشتن پیوست محیط زیستی تمام برنامه‌های توسعه‌ای و توجه جدی به فرهنگ‌سازی لحاظ شود.

وی ادامه داد: پس از تمام این مراحل سیاست‌های محیط زیست براساس پیشنهادهای اولیه‌ای که از طرف دفتر مقام معظم رهبری به مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام شد در ۱۶ بند تهیه شده و اکنون در حال بررسی است و به‌زودی در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب و بعد از آن به دفتر مقام معظم رهبری تقدیم خواهد شد.

مجابی تأکید کرد: رویکرد سند برنامه ششم توسعه تدوین یک برنامه جامع‌نگر با اولویت محیط زیست است. وی ادامه داد: مهم‌ترین نکته برای اثربخش‌بودن یک برنامه این است که به‌گونه‌ای تنظیم شود که قدرت اصلاح وضع موجود در زمینه محیط زیست را داشته باشد، تمام بحران‌های مهم را بررسی کند و برای آن برنامه عمل تنظیم کند.

مجابی به اصل ۵۰ قانون اساسی اشاره کرد و گفت: در این اصل توصیه شده حفظ محیط زیست یک وظیفه همگانی است، این به آن معناست که هم حاکمیت و هم مردم در حفظ آن نقش دارند. با توجه به داشتن اصل ۵۰ قانون اساسی، این سؤال پیش می‌آید که چرا محیط زیست ایران در چنین شرایط بحرانی‌ای قرار دارد.

معاون توسعه، مدیریت و امور مجلس سازمان محیط زیست ادامه داد: دولت یازدهم حفظ محیط زیست را مسئولیت خود می‌داند به همین دلیل اولین اقدامات این دولت تشکیل کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه، احیای شورای‌عالی محیط زیست و تشکیل شورای‌عالی آب بود و دکتر روحانی اولین رئیس‌جمهوری است که در آغاز دولت خود هم‌زمان با ارائه برنامه‌ها به مجلس، فصل مجزایی را به محیط زیست اختصاص داد.

مجابی افزود: یکی از بهترین شاخص‌ها برای سنجش پایبندی دولت به تعهداتش در حوزه محیط زیست این است که باوجود شرایط انقباضی‌ای که در بودجه دولت وجود دارد، میزان اعتبارات سازمان محیط زیست از ۹۵ میلیارد تومان در سال ۹۲ به ۱۸۰ میلیارد تومان در سال ۹۴ رسیده است، اما همچنان این میزان کفاف نیازهای محیط زیستی مانند مقابله با گرد و غبار، آتش‌سوزی جنگل‌ها، خشک‌شدن تالاب‌ها و مدیریت ۱۰ درصد از عرصه زمینی تحت عنوان مناطق چهارگانه حفاظت‌شده را نمی‌دهد.

۵ چالشی که ایران را تهدید می‌کند

مجتبی لشکربلوکی*

بی‌آبی بزرگترین مشکلی است که ایران با آن روبه‌روست/ عکس: جوان‌آنلاین

«ایران ما» هم‌اکنون (و نه در آینده دور و نزدیک) با پنج چالش کلیدی روبه‌روست.

متأسفانه این چالش‌ها نه فوری، فوتی و ملموس هستند و نه جذابیت سیاسی و رسانه‌ای دارند. ولی موجودند.

اما آن تهدیدهای چالش‌زا چیستند؟

۱- چالش بی‌آبی
۲- چالش دروغ
۳- چالش بی‌کاری و بی‌کارگی
۴- چالش جنسی
۵- چالش اولویت‌های اشتباه

چالش بی‌آبی

در مورد بی‌آبی باید بگویم که اوضاع نگران‌کننده است. فقط کافیست به چند عدد فکر کنیم!

براساس نتایج شبیه‌سازی‌های انجام‌شده در زمینه تغییرات متغیرهای آب‌وهوایی تا سال ۲۰۴۰ میلادی (۲۵ سال آتی) نسبت به دوره ۲۰۰۵-۱۹۷۶ (دوره پایه مشاهداتی)، توسط IPCC، تغییرات اقلیمی در ایران پیامدهای زیر را به‌دنبال خواهد داشت:

- متوسط میزان بارش ۹درصد کاهش خواهد یافت.
- متوسط دمای کشور حدود یک درجه سانتی‌گراد افزایش خواهد یافت.
- تعداد بارش‌های سنگین و سیل‌آسا تا ۴۰درصد افزایش خواهد یافت.
- تعداد روزهای داغ (دمای بیش از ۳۰ درجه سانتی‌گراد) در اکثر نقاط کشور افزایش می‌یابد و این افزایش در جنوب‌شرق کشور (استان‌های سیستان‌وبلوچستان و کرمان) بیش از مناطق دیگر خواهد بود.
- سرانه ذخایر آبی کشور تا حدود هزارو ۳۰۰ مترمکعب کاهش خواهد یافت.
- با افزایش یک درجه سانتی‌گراد دمای کشور، معادل ۱۳میلیارد مترمکعب منابع آبی کشور از طریق تبخیر از دسترس خارج می‌شود و این تهدید بزرگی برای منابع روباز آبی کشور است.
- با توجه به اینکه ۹۰درصد تولید برقابی در حوضه‌های کارون و کرخه انجام می‌شود، با کاهش بارش و روان‌آب در این حوضه‌ها، کاهش تولید نیروگاه‌های برقابی کشور در ۲۵ سال آتی قطعی است.
- عملکرد گندم دیم در سال ۲۰۲۵ تا ۲۰درصد و تا سال ۲۰۵۰ تا ۳۳درصد کاهش خواهد یافت.

ازاین‌رو هم‌اکنون تغییر و اصلاح الگوی تولید محصولات کشاورزی به سمت محصولات با آب‌بری کمتر، اصلاح الگوی مصرف آب در بخش‌های مختلف به‌ویژه بخش کشاورزی، اصلاح الگوی مصرف مواد غذایی و محصولات کشاورزی به سمت مصرف بهینه و کاهش ضایعات، مدیریت و کنترل فرسایش خاک، ارتقای بهره‌وری منابع تولید، استفاده بیشتر از انرژی‌های غیرفسیلی، مدیریت احداث سازه‌های آبی به سمت تحدید ساخت نیروگاه‌های برقابی در مناطق درمعرض‌تهدید و... نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت گریزناپذیر در مواجهه و مدیریت پیامدها و آسیب‌های تغییرات اقلیمی در کشور است.

چالش دروغ‌گویی

در این مورد متأسفانه هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی خیلی بالاست. وقتی با همدیگر روراست نیستیم، اعتماد کاهش پیدا می‌کند. وقتی اعتماد کاهش پیدا کرد، هزینه‌های معاملاتی افزایش پیدا می‌کند. وقتی هزینه‌های معاملاتی افزایش پیدا کند، کارآفرینان اقتصادی و اجتماعی (شامل سرمایه‌گذاران) حاشیه سود کمتری از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خود دریافت می‌کنند و چشمه خلاقیت، نوآوری، ثروت‌آفرینی و ایجاد مطلوبیت اجتماعی خشک می‌شود. اگر دقت کنیم، کم‌فروشی و کم‌کاری نوعی دروغ است. تهمت نوعی دروغ است. پیمان‌شکنی نوعی دروغ است. و متأسفانه اگر تبدیل به عرف و هنجار شود، آفات فراوانی در پی خواهد داشت.

چالش بی‌کاری

بیایید با هم صادق باشیم. شاخص‌های اقتصادی خوبند و درعین‌حال گمراه‌کننده. شاخص بی‌کاری یکی از گمراه‌کننده‌ترین شاخص‌های اقتصادی ماست که البته ربطی به دولت ندارد. چون تعریف فعلی مطابق با تعاریف جهانی است. اگر به تعریف شاخص بی‌کاری نگاه کنیم می‌بینیم که درحال‌حاضر بر اساس تعریف دولت، هرکس حداقل یک‌ساعت در هفته کار کند، شاغل محسوب می‌شود. صادقانه باید بگوییم که با یک‌ساعت کار در هفته نه نیازی برطرف می‌شود و نه خانواده‌ای تأمین می‌شود. این تعریف یک مشکل دیگر هم دارد و آن این است که اگر کسی در جست‌وجوی کار نبود در این تعریف نمی‌گنجد!

حالا اگر بخواهیم تعریف واقع‌بینانه‌ای از کار و بی‌کاری ارائه کنیم، باید بگویم که نیمی از ایران بی‌کارند. به‌این‌خاطر که خیلی از افراد به‌ویژه زنان تحصیل‌کرده اصولا از یافتن کار ناامید شده و از بازار کار خارج شده‌اند. از آنهایی که هنوز مصرانه در جست‌وجوی کار هستند هم خیلی قادر به یافتن کاری در حدی که بتوانند معیشت خود را آبرومندانه تأمین کنند و برای آینده خود منبع مالی مطمئنی داشته باشند نیستند.

ما با یک جامعه بی‌کار روبه‌رو هستیم درحالی‌که شاخص بی‌کاری را حدود ۱۰ درصد اعلام می‌کنیم.

چالش خجالتی

نام چالشی که پیش‌روی جامعه ما وجود دارد را چالش خجالتی می‌نامم. چون رکود، بی‌کاری، خشک‌سالی، پیرشدن جمعیت و همه اینها، خجالت ندارد. می‌شود آنها را بیان کرد اما بحران خانواده چیزی است که نمی‌شود خیلی از آن صحبت کرد. نمی‌شود در موردش آمارهای قطعی داد و نمی‌شود در موردش با کسانی که این مشکل را دارند مصاحبه تلویزیونی گرفت. نمی‌شود در مورد مسائل اخلاقی گزارش خبری تهیه کرد و اتفاقا این مسائل، مسائلی هستند که مغفول می‌مانند و بنیان‌های یک جامعه را از درون می‌خورند.

در ابتدا توجه شما را به هشت واقعیت کلیدی (حاصل آمارهای قطعی، تحقیقات دانشگاهی یا گمانه‌زنی‌های کارشناسی) در این زمینه جلب می‌کنم:

۱. نسبت طلاق و ازدواج در کشور، از یک طلاق به ازای هر ۱۰ ازدواج در سال ۸۲ به یک طلاق به‌ازای هر پنج ازدواج در سال ۹۲ رسیده که آمار نگران‌کننده‌ای است. طی ۱۸ سال (۷۲ تا ۸۹)، ازدواج ۱/۹۲ برابر شده که متوسط نرخ رشد سالانه آن ۳/۷ درصد بوده است. طلاق در همان ۱۸سال ۴/۶ برابر شده که به طور متوسط سالانه ۸/۳۲ درصد رشد داشته است؛ یعنی طی این ۱۸ سال رشد طلاق ۲/۴ برابر رشد ازدواج بوده است.

وقتی اعتماد کاهش پیدا کرد، هزینه‌های معاملاتی افزایش پیدا می‌کند. وقتی هزینه‌های معاملاتی افزایش پیدا کند، کارآفرینان اقتصادی و اجتماعی (شامل سرمایه‌گذاران) حاشیه سود کمتری از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خود دریافت می‌کنند و چشمه خلاقیت، نوآوری، ثروت‌آفرینی و ایجاد مطلوبیت اجتماعی خشک می‌شود

۲. بر اساس یک برآورد کارشناسی به ازای هر طلاق رسمی در کشور دو طلاق عاطفی داریم! (حتی اگر نسبت یک به یک هم باشد خیلی وضعیت مناسب نیست).

۳. ۳۰ درصد از جوانان ایرانی ساکن شهرهای بزرگی چون تهران، تبریز، اصفهان، مشهد، اهواز و شیراز زندگی مجردی را انتخاب کرده‌اند. طبق نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، در شهر تهران در گروه سنی ۱۵ تا ۳۹ سال، یک میلیون و ۶۲ هزار و ۵۹ مرد مجرد (شامل بی‌همسر به دلیل فوت، بی‌همسر به دلیل طلاق و هرگز ازدواج نکرده) وجود دارد و ۷۸۹هزارو ۲۵۲ مرد دارای همسر. این ارقام برای زنان ساکن تهران در همین گروه سنی عبارت است از ۸۴۳هزارو ۷۹۵ زن مجرد (شامل بی‌همسر به دلیل فوت، بی‌همسر به دلیل طلاق و هرگز ازدواج نکرده) و یک‌میلیون و ۴۳ هزارو ۶۰۶ زن دارای همسر. اما همه مجردها به صورت مستقل و مجردی زندگی نمی‌کنند، بلکه بسیاری از آنها به همراه خانواده و در منزل پدری خود ساکن‌اند. به درستی مشخص نیست که چه تعداد از خانوارهای معمولی تک‌نفره‌اند و زندگی آنها مجردی محسوب می‌شود. آمار دقیقی نیز از تعداد خانه‌های مجردی دختران و پسران در تهران در دست نیست. اما طبق اظهارنظر وزارت ورزش و جوانان ایران در سال ۱۳۹۱، در شهرهای بزرگ بین ۲۵ تا ۳۰ درصد جوانان زندگی مجردی دارند.

۴. میانگین سن ازدواج در حال حاضر در کشور برای مردان ۲۷.۸ سال و برای زنان ۲۳.۱ سال است. آمارها نشان می‌دهند که در ایران فاصله بین سن بلوغ تا ازدواج بیش از ۱۲ سال به تأخیر افتاده است. به این مسئله این را هم اضافه کنید که سن بلوغ یا آگاهی جنسی پایین آمده است (یعنی گاهی پسران و دختران قبل از بلوغ جنسی، به آگاهی جنسی می‌رسند. در سال ۱۳۶۵، میانگین سن ازدواج برای مردان ۲۳.۶ سال و زنان ۱۹.۸ سال بوده است.

۵. تعداد دختران ایرانی که از سن ازدواجشان گذشته، ۴/۵ میلیون نفر و آمار زنان بیوه به ۱/۵ میلیون نفر رسیده است. پسران در سنین بالا بیشتر تمایل به ازدواج با دختران سنین پایین‌تر دارند و این منجر به تجرد قطعی برخی دختران بالای ۳۴ سال می‌شود، در صورتی که در پسران بالای ۳۴ سال بی‌رغبتی و وسواس بیشتر است.

۶. تأمین یک جهیزیه کامل برای خانواده‌های ایرانی مبلغی بین ۴۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان (۱۶ تا ۴۰ هزار دلار) هزینه دارد و این در حالی است که متوسط درآمد ماهانه یک خانوار ایرانی ۵۰۰ دلار است (براساس روزنامه گاردین از ایران)

۷. براساس نتایج مطالعه تحقیقاتی دانشگاه شهید بهشتی تهران در سال ۲۰۰۹ افزایش هزینه‌های ازدواج بیش از ۷۰ درصد در کاهش تمایل جوانان ایرانی برای تشکیل خانواده و ازدواج مؤثر بوده است.

۸. جمعیت ۱۱ الی ۱۳ میلیونی جوانان در سن ازدواج!

اگر همین وضعیت و روند ادامه پیدا کند، پیش‌بینی می‌شود دچار معضلاتی جدی شویم.

اولویت‌های زیاد و اشتباه

آینده یک کشور را مسائلی رقم می‌زند که توسط مدیران ارشد آن کشور به‌عنوان «اولویت» شناسایی و سپس مدیریت می‌شوند. اگر کشوری به این جمع‌بندی برسد که باید در تأمین کالاهای استراتژیک توانمند شود، آینده‌اش ناشی از تصمیمات و اقداماتش در قبال آن مسئله اولویت‌دار خواهد بود.

پیش از این چهار چالش را برشمردم. از همه این چالش‌ها بدتر، زمانی است که یک کشور یا یک سیستم اقتصادی- اجتماعی بزرگ، اولویت‌های خود را تشخیص ندهد. قصد ورود به واکاوی اندیشه مدیران ارشد کشور را در زمینه مسئله‌شناسی ندارم، اما فکر می‌کنم این مواردی که برشمردم در اولویت‌ها فراموش شده‌اند. ممکن است شما به من جواب بدهید: «برای تک‌تک این بحران‌ها در گفتارها و تصمیمات و سیاست‌های اعلامی مدیران ارشد، ردپا وجود دارد و به این موضوعات توجه شده است». جواب من این است که کشوری که صد مسئله و اولویت دارد، یعنی اولویت ندارد. به نظرم تعداد اولویت‌های اشتباه آن‌قدر زیاد است که اولویت‌های واقعی فراموش شده‌اند.

***دکترای مدیریت استراتژیک و مدرس دانشگاه صنعتی شریف**

یادداشت

یک فوروارد، ۴۰ فوروارد

علی کربلایی*

● مدتی است شبکه‌های اجتماعی با جذابیت‌های خاص خود به زندگی مردم راه پیدا کرده‌اند؛ اینکه جمعی از دوستان یا افرادی را در گوشی، همراه خود داری که می‌توانی با آنها ارتباط برقرار کنی. به مطالب خواندنی، کلیپ‌های دیدنی و موزیک‌های شنیدنی به اشتراک گذاشته‌شده دسترسی داشته باشی، درباره شعر و جوک و کلیپ و موسیقی، منبع یا صحت و سقم آن خیلی مهم نیست، چون اکثرا کاربری تفریحی و سرگرمی دارند. شمار زیادی از مطالب، شامل اخبار یا مقالات، تأثیرگذار، کاربردی و ایدئولوژیک هستند. چند درصد از این اخبار صحیح هستند؟ آیا حضور تکنولوژی بین مردم، خصایص چند هزار ساله مردم را تغییر داده است؟ آیا عصر یک کلاغ، چهل کلاغ، تخریب به اتمام رسیده است؟ اخبار موجود در این شبکه‌ها چقدر قابل استناد هستند؟

پدیده‌ای اخیرا در این شبکه‌ها دیده می‌شود به‌این‌ترتیب که عکس یا مطلبی خارق‌العاده گذاشته می‌شود؛ مثلا فلانی نصف بدنش گراز است یا فلان بیماری آمده یا فلان غذا را دیگر نخورید یا مواجهه با یک داستان به‌نظر کاملا صحیح از تاریخچه یا اکتشاف فلان‌چیز؛ با خواندن این دست مطالب دچار حیرت می‌شویم و وقتی تحقیق می‌کنیم می‌بینیم به‌هیچ‌وجه صحت ندارند. هدف نویسنده چه بوده است؟ ایجاد ترس؟ ایجاد حیرت؟ تحت‌تاثیر قراردادن؟ ارزیابی میزان نفوذ و محبوب‌بودن مطلبش با رصد انتشار آن در شبکه‌ها یا با تعداد لایک‌ها؟ جلب توجه؟ ذات دروغ‌گویی برخی افراد؟ نمی‌دانیم، ولی هرچه هست تزریق اطلاعات ویروسی به مغز ماست.

یا پدیده‌ای دیگر که جملات زیبا و بعضا نازیبا! نوشته می‌شوند و در انتهای آن به غلط نام برخی بزرگان مثل چارلی چاپلین، استیو جابز و پروفسور مجید سمیعی را می‌آورند. این دیگر با چه انگیزه‌ای است؟ شاید یکی از موارد فوق‌الذکر، ولی به‌هرحال سبب‌شناسی اینها باید واکاوی شود.

ما این مطالب را فوروارد می‌کنیم؟ ما در قطع‌نشدن زنجیره یک کلاغ، چهل کلاغ نقش داریم؟ آیا با این حساب، تکنولوژی نشر اکاذیب را تسریع کرده است؟

امروزه در عصر تکنولوژی به جرئت می‌توان ادعا کرد هر انسان یک رسانه است. بالطبع، همین امر اوضاع را پیچیده‌تر می‌کند. تصور کنید هرکس با کاراکتری که دارد به خبرسازی و خبرپردازی مشغول شود، آن‌گاه چگونه می‌شود سره را از ناسره تشخیص داد؟ این مطلب را فردی عاشق نوشته یا فارغ؟ مجنون یا عاقل؟ ذی‌نفع یا بی‌طرف؟ اجتماعی یا ضداجتماعی؟ درباره این مطالب، حتی ما گاهی نمی‌دانیم نویسنده اصلی یا منشأ مطلب کیست و تقریبا هیچ‌وقت هم هویتش فاش نمی‌شود و همین امر دست او را برای دروغ و جعل واقعیت و نشر اکاذیب بازمی‌گذارد. اهمیت موضوع وقتی آشکار می‌شود که می‌بینیم پست‌ها و پیام‌های هرچند کوچک و بی‌ارزش آن‌چنان نفوذی در ذهن و زندگی ما دارند که در حال تغییر نظام روابط و فرهنگ ما هستند. همیشه یادمان باشد یک شارلاتان خوب یک شارلاتان تأثیرگذار است.

یکی از راه‌های برخورد با این معضل اجتماعی دید و ذهنی باز در مطالعه و انتخاب و فوروارد مطالب است وگرنه انسان در مقابل موج سهمگین و قدرتمند تکنولوژی اطلاعات، تاب مقابله ندارد.

***متخصص اعصاب و روان**

جدول ۲۳۱۳ ■ طراح: بیژن گورانی

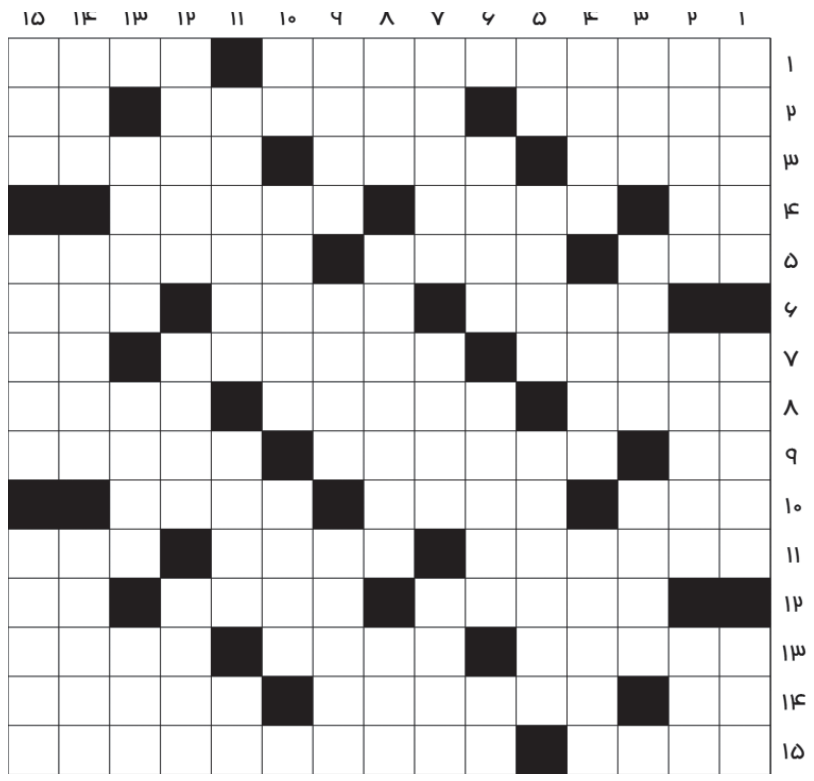

افقی:

۱- شاعر فقید و برگزیده بیست سال شعر جنگ کشورمان و سراینده مجموعه «از آسمان سبز»- بادگلو ۲- غیرمتمدن و بی‌فرهنگ- شهری در اسکاتلند- رودی در فرانسه ۳- نوعی آش- آگاه- کاخ تاریخی لویی سیزدهم در فرانسه ۴- نشانه مصدر جعلی- چو حل گشت آسان شود- نیازمند ۵- مهم‌تر- سوره بنی‌اسرائیل- جهل ۶- ناز و عشوه- رنگ سوگواری- نیستی ۷- برخوردار از نعمت- از مواد افیونی- مزه دهان جمع‌کن ۸- باز را خنثی می‌کند- آسمانی- سکوی شیرجه ۹- بیماری ریوی- قهوه فوری- از مرکبات ۱۰- مقر سازمان‌ملل- صفحات داخلی روزنامه- دست‌درازی‌کردن ۱۱- بزرگراه- موزه پاریس- قدر و منزلت ۱۲- شهری در مازندران- از موتورهای جست‌وجوگر اینترنتی- صدای زنبور ۱۳- مقاوم و پرطاقت- گرفتن- به هیچ‌وجه ۱۴- علم پزشکی- قطعی برای کتاب- بنای قدیمی و فرسوده ۱۵- کماندوی آمریکایی- مبتذل و پیش‌پاافتاده.

عمودی:

۱- خصلت‌های نیکو- آنچه غیراز خدا باشد- مجموعه کلمات روی یک خط افقی ۲- سربند مردان سیستانی- غم و اندوه کسی را کاستن- خاخام ۳- برای بیان استثنا به‌کار می‌رود- آوازه‌خوان- تازه‌بالغ‌شده ۴- دردها- کان- مغرب ۵- ساز تنهایی- عزیمت‌کننده- تندرستی ۶- پنج گنج نظامی- مجموعه نماهای فیلم- ضمیر جمع ۷- شلیک پیاپی گلوله- خواهر اسفندیار در شاهنامه- ته نشست ۸- شیمی کربن- از فرشتگان مقرب الهی- ظریف و شکننده ۹- نرده- از تیم‌های فوتبال باشگاهی ایتالیا- دستگاه نمایش فیلم ۱۰- بله انگلیسی- قرمز مایل به قهوه‌ای- قدرت و نیرو ۱۱- قصور- فریاد بلند- کاشف میکروب سل ۱۲- دعاهای زیر لب - فقیر و تهیدست- استاندار قدیم ۱۳- پارچه باریکی که به لبه آستین دوخته می‌شود- خشنودکردن- سازه ۱۴- پشت‌سر- آلوده به ننگ- زهتاب ۱۵- ثروتمند- مرکز کهگیلویه‌وبویراحمد- دربرگیرنده موضوعات و مفاهیم کیفری.

سودوکو سخت ۱۳۱۰

	۱	۸					۴	۹
۷	۲	۴		۶				
۶		۹		۴				۲
۱					۵			
		۲	۹					۸
	۸	۷			۶		۳	
		۳			۷			۶
		۱			۴			۳
				۳		۱	۹	

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۳۱۰

۲	۷		۵	۱		۳	۹	
۱		۵	۴		۹			۸
۳		۹	۶				۱	
۴	۵		۳		۱		۶	۷
		۳	۷			۲		
۷	۱	۶		۵	۲	۹		
۵	۲	۷	۱					۹
۹		۱		۸		۵	۷	
	۴				۵	۱		۲

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو سخت

۵	۳	۱	۶	۸	۹	۷	۲	۴
۹	۲	۴	۳	۷	۵	۶	۱	۸
۸	۶	۷	۲	۴	۱	۹	۳	۵
۳	۴	۶	۸	۱	۷	۲	۵	۹
۷	۱	۹	۵	۲	۴	۸	۶	۳
۲	۸	۵	۹	۶	۳	۱	۴	۷
۱	۹	۲	۴	۵	۸	۳	۷	۶
۴	۷	۸	۱	۳	۶	۵	۹	۲
۶	۵	۳	۷	۹	۲	۴	۸	۱

حل سودوکو ۱۳۰۹

۱	۴	۳	۷	۹	۲	۸	۶	۵
۵	۸	۲	۱	۳	۶	۹	۷	۴
۶	۹	۷	۸	۵	۴	۱	۲	۳
۷	۲	۸	۴	۶	۳	۵	۹	۱
۴	۵	۹	۲	۱	۷	۳	۸	۶
۳	۶	۱	۹	۸	۵	۲	۴	۷
۹	۷	۶	۵	۲	۱	۴	۳	۸
۸	۳	۵	۶	۴	۹	۷	۱	۲
۲	۱	۴	۳	۷	۸	۶	۵	۹
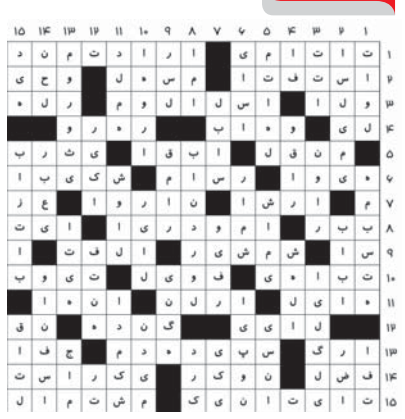
جدول ۲۳۱۲